



مساجد تاریخی

آتش سوزی

مسجد جامع اصفهان

در عهد سلجوقیان

محمدحسین ریاحی

اشاره:

از اهداف مجله مسجد، معرفی مساجد تاریخی ایران و جهان است. در این بخش سعی می‌شود ویژگیهای مساجد همچون معماری و تاریخچه بنا، کتابخانه و امکانات جانبی، موقوفات و متولیان، ائمه جماعات، و فعالیتهای و نقش آنها شناخته شود.

همچنین، ارائه پژوهشهای علمی ویژه پاره‌ای رویدادهای تاریخی مساجد ایران و جهان، همواره مورد نظر بوده است. بدین مناسبت، در این شماره رویداد آتش سوزی مسجد جامع اصفهان و کتابخانه نفیس آن در عهد سلجوقیان، تقدیم می‌شود.

اصفهان عهد سلجوقیان، شاهد فراز و نشیبهای بسیاری بوده است. در عهد مقتدرترین سلطان سلجوقی، جلال الدین ملک‌شاه (۲۸۵-۴۶۵هـ. ق.)، اصفهان شکوه و عظمت یافت، لکن مشکلات و مسائلی به وجود آمده بود که پس از مرگ آن پادشاه، گریبان شهر را گرفت و صدمات و ویرانیهایی را باعث گردید، که از جمله آنها می‌توان از آتش‌سوزی مسجد جامع اصفهان و کتابخانه نفیس و ارزشمند آن یاد کرد.

اصفهان پیش از آنکه به تصرف ترکان سلجوقی درآید، در قرن ۴هـ. ق. مرکز حکومت امیرای آل زیار و آل بویه بود، و سالیانی چند از وجود وزرای دانشمند و ادب‌پروری همچون صاحب بن عباد (د. ۳۸۵هـ. ق.) و ابوعلی سینا (د. ۴۲۸هـ. ق.)، مجمع نفیلا، ادبا و دانشمندان بزرگ اسلامی شد. وجود امرای شیعی مذهب آل بویه و امرای سنی مذهب سلجوقی و وزرای ایشان در اصفهان، این شهر را به صورت یکی از مراکز مهم تبادل افکار و عقاید فرق گوناگون و پایگاه علوم و معارف اسلامی درآورد، به طوری که دانش‌پژوهان از اقصی نقاط ممالک اسلامی به این شهر روی می‌آوردند و از محضر فقها و محدثان و علمای برجسته اصفهان کسب دانش و معرفت می‌کردند.^۱

اهتمام امیران دیلمی حاکم بر اصفهان پیوسته علاء الدوله (۳۹۸-۴۳۳هـ. ق.)، باعث شد که بسیاری از دانشمندان در این شهر گرد آیند، و اصفهان را به کانون دانش و معنویت تبدیل کنند.

در محرم سال ۴۲۳هـ. ق. پس از مدتی محاصره، شهر پروری اصفهان از دیلمه به سلجوقه منتقل گردید و با گشوده شدن این شهر توسط اولین سلطان سلجوقی، طغرل بیک، اصفهان نیز جزء متصرفات سلجوقیان شد. ناصر خسرو فیاضی (د. ۴۸۱هـ. ق.) شاعر و ادیب مشهور ایرانی در بازگشت از مصر و حجاز، در مسیر خراسان در سال ۴۲۴هـ. ق. از اصفهان گذشت و این شهر را این گونه توصیف نمود: «شهری است بر هامون نهاده، آب و هوای عوش دارد. و هر جا که ۱۰ گز چاه فروبرند، آب سرد و خوش بیرون آید. و شهر، دیواری بلند دارد و دروازه‌ها و جنگ گاه‌هاست از آن دیوار ساخته‌اند، و بر همه جای باروی شهر کنگره بنا شده است. در شهر چوهای آب روان است، و بناهای نیکو و مرتفعی مانند مسجد آینه، بزرگ و نیکو ساخته شده است»^۲. ناصر خسرو در ادامه این اوصاف، از شخصی به نام خواجه عمید نام می‌برد که از او اهل فضل و کرم دانسته و نیز آورده است: «من در همه زمین پاریس گویان شهری نیکوتر، جام‌عشر و آبادان‌تر از اصفهان ندیدم»^۳. لکن دیدار ناصر خسرو از اصفهان، پیش از آن هنگامی است که این شهر به عنوان مرکز دولت مقتدر و قلمرو وسیع سلجوقه انتخاب شود.

اصفهان در دوران حکومت ۳ پادشاه سلجوقی - طغرل، آلپ



از ارسلان و ملک‌شاه - و از سال ۴۲۹ تا ۴۸۵هـ. ق. که ۳۰ سال آخر آن هم‌زمان با وزارت خواجه نظام الملک طوسی بود، همگام با توسعه روزافزون قلمرو سلجوقی گسترش یافت و بر رونق و شکوه آن افزوده شد. اموال و ختایم بی شماری از کناره چینون تا اتناکیه به سوی این شهر سرازیر شد و ابنیه و آثار متعددی که به وسیله پادشاهان سلجوقی، خواجه نظام الملک طوسی و دیگر امیران و اعیان این دولت در اصفهان احداث شد، این شهر را به صورت یکی از بلاد آباد و با عظمت آن روزگار درآورد.^۴

چنانکه اشاره شد، ملک‌شاه را می‌توان از حیث شوکت و اقتدار، قدرتمندترین پادشاه سلجوقی به حساب آورد، زیرا در زمان او، قلمرو ایران از حد چین تا دریای مدیترانه و از شمال دریای خزر تا آساورای یمن بود و به نام ملک‌شاه در این بلاد خطبه می‌خواندند، و امپراتوری روم شرقی و امیرای عیسوی گرجستان و ابنخاز به او جزیه و خراج می‌دادند. اصفهان در عهد ملک‌شاه سلجوقی، مهم‌ترین بلاد دنیا و یکی از آبادترین آنها بود. این پادشاه و وزیران، عمال و اعیان دیگر سلجوقی در این شهر ابنیه بسیار ساخته بودند، که هنوز برخی از آنها پابرجاست. احداث باغ ملک‌شاهی به نام باغ کاران، بیت الماء، باغ احمد سیاه و باغ دشت گور، از امتیازات شهر اصفهان در آن زمان بود.^۵

این شهر از حیث مالی نیز دارای پشتوانه قابل توجهی بود، به طوری که هر سال مقدار محصولات، مستغلات و موقوفات آن، به ۱۰ هزار دینار بالغ می شد.^{۱۰} مدرسه نظامیه اصفهان تا قرن ۱۸ هـ. ق. پایربا بود.^{۱۱}

از جمله اقدامات مهم علمی در عهد ملک شاه، اهبشاه و صدخانه اصفهان و تنظیم تقویم جلالی در آن بود. در این مورد آورده اند: ملک شاه از غیام نیشابوری (د. ۵۳۰ هـ. ق.) خواست با بزرگان منجمان در اصفهان، زینج جلالی را ترتیب دهند. همچنین، همر غیام یکی از رساله های معروف خود به نام شرح ما اشکون من مصاعدات اقلیمس را در اصفهان نوشت.^{۱۲}

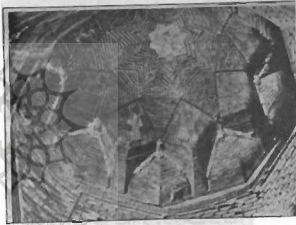
پس از مرگ ملک شاه (د. ۴۸۵ هـ. ق.) در بلدنا، پسند وی به اصفهان منتقل شد، و در قسمتی از محله قدیمی کران - که گویا بعدها به دارالبیوع معروف شده و اکنون نیز در خیابان احمدآباد واقع است - مدفون گردید. به جز او عددهای از بزرگان دولت سلجوقی در این مقبره مدفونند، و بنا بر مشهور قبر خواجه نظام الملک طوسی نیز در این محل است.^{۱۳}

با وجود این شکوفایی علمی و عمرانی، اختلافات داخلی و درگیریهای میان جانشینان ملک شاه و تشنجاتی که بین صاحبان حنفی و شافعی و خجندیان شافعی مذهب روی می داد از یک سو، و برخورد دستگاه حاکمه با گروههایی مانند اسماعیلیه - با تعبیری صحابه - از سوی دیگر، اصفهان را دچار مشکلات بسیاری کرد و موجب خسارت و ویرانی آن شد. برعکس محققان چون استاد محمد محیط طباطبائی، بسیاری از این اختلافات را منسوخ روشنها و تفرکات جلال الدین ملک شاه و وزیر نامی او می دانند. اعمو می نویسد: «فرض ملک شاه و خواجه نظام الملک که در چنین شرایطی به اصفهان آمدند و با پی افکندن مدرسه برای تربیت شافعی و حنفی و انتقال عددهای از فقههای ماوراءالنهر و نیشابور به این شهر، آرامش فکری شهر را به هم زدند و اصفهان را مدت ۲ قرن میدان کشمکش شافعیان و خجندیان به سر دستگی خجندیان و صاحبان قرار دادند، چه بسا اندیشه مستنجد و قابلیت فکری را، که در راه حساسیت از فلان الدین خجندی و فلان الاسلام عاصدی در این شهر به خاک سیاه فرونشاندند است. خجندیان و عاصدیان، اصفهان را چون لانگاه ضلالتان سلجوقی ساخته بودند که سرانجام راه را برای ایلخار مغول و اشغال اصفهان توسط آنان فراهم آورده است»^{۱۴}.

یکی از خدمات جبران ناپذیر و لطیفه هایی که در این دوره بر اصفهان وارد شد و از آن می توان به عنوان رویدادی تلخ از تاریخ سلاجقه در اصفهان یاد کرد، آتش سوزی مسجد جامع این شهر و کتابخانه نفیس آن است. پس از قتل خواجه نظام الملک و مرگ ملک شاه در ۴۸۵ هـ. ق.، دارالملک اصفهان مرکز فعالیت فرقه اسماعیلیه و خرابکاریهای آنان گردید. فدائیان اسماعیلی که در اطراف شهر و در کوههای جنوب طبرستان و جنوب اصفهان مانند قلعه خان لیجان و نیز قلعه شاه فلز در

با توجه به پژوهشهای محققان معماری اسلامی، مسجد جامع اصفهان که در قرن اول هجری و به سبک موسوم به عربی بنا شده بود، در دوره سلاجقه دچار دگرگونی اساسی شد و به صورت مسجدی چهار ایوانه درآمد.^{۱۵}

مهمترین آثار برجای مانده عهدملک شاه در اصفهان، یکی گنبد خواجه نظام الملک در جنوب مسجد جامع اصفهان است که بر کتیبه آن، نام پادشاه و خلیفه وقت و نیز خواجه نظام الملک حک شده، و ظاهراً در سال ۲۷۳ هـ. ق. به پایان رسیده است. او دیگری گنبد تاج الملک در شمال مسجد جامع از آثار آخرین وزیر ملک شاه، ابوالفتح تاج الملک، مورخ به سال ۲۸۱ هـ. ق. می باشد، که معماری آن از نظر باستان شناسان دنیا اعجاب انگیز است.^{۱۶} این آثار، از جلوه های برجسته هنر سلجوقی محسوب می شود، و هنوز نیز با گذشت نزدیک به هزار سال عظمت خاصی به این جامع بخشیده است.



از ویژگیهای علمی آن دوره، می توان به برخی موارد مانند تأسیس مدارس نظامیه توسط خواجه نظام الملک اشاره کرد. مدارس نظامیه شاخص ترین نهادهای آموزشی عصر سلجوقی است، که برعکس آن را اولین مدارس منظم یا - به اصطلاح - دانشگاههای سازمان یافته دنیای اسلام قلمداد کرده اند. اصفهان هم به عنوان مرکز دولت سلجوقی، توجه ای مهم از این نظامیه را در خود جای داده بود.^{۱۷} خواجه نظام الملک، ریاست نظامیه اصفهان را به خاندان خجندی، از رؤسای شافعی اصفهان، اختصاص داد.^{۱۸} نظامیه

خط الرأس کوه صهفه، قلاع مستحکم ایجاد کرده و در آن پناه گرفته بودند، وقت وی وقت در شهر مخفی شده و به مردم تمدی می نمودند، به خصوص از قلعه شاه دژ که در این قلعه احمد بن عبدالملک عطاش (د. ۵۰۰ هـ. ق.) رئیس اسماعیلیه با جماعتی موضع گرفته بود، و بلای برای اصفهان و روستاهای اطراف آن شده بود. ۱۵ این گروه که در محلات اصفهان متفرق و در پابان کورچه‌های بن بست خانه گرفته بودند، احیاناً اگر کسی را تنها می دیدند، او را می گرفتند، به خانه می بردند و به قتل می رسانیدند. در این مورد، می توان به آنچه که تحت عنوان حکایت علوی مثنوی در *راحة الصدور* آمده است اشاره کرد. ۱۶

با توجه به این تحركات از ناحیه فدائیان، عکس العمل حاکمان سلجوقی و عوامل آنان نیز علیه اسماعیلیه شدت یافت. از جمله اینکه محمد بن ملک شاه، در سال ۵۰۰ هـ. ق. قلعه شاه دژ را تسخیر و احمد بن عبدالملک عطاش رئیس این فرقه را دستگیر کرد، و به وضع فجیحی به قتل رسانید. ۱۷ این فشارها علیه اسماعیلیه به قدری شدت یافت که رهبر شافعی اصفهان، ابوالقاسم مسعود بن محمد خجندی، دستور داد متهمان باطنی را در غومتهایی از آتش سوزانیدند. ۱۸ لکن اعمال این غسوتنها و سختگیریها نیز نتوانست آتش فتنه و آشوب این گروه انتقامجو را خاموش کند، تا جایی که فدائیان اسماعیلی در ربیع الاول سال ۵۱۵ هـ. ق. مسجد جامع را به آتش کشیدند.

این آتیر دربارۀ آتش زدن شبانۀ مسجد جامع اصفهان توسط یاطنیا، آن را بزرگترین جامهها و باشکوه ترین آنها در دنیای اسلام قلمداد کرد. ۱۹ آنچه در آتش سوزی سال ۵۱۵ هـ. ق. در مسجد جامع طعمۀ حریق شد، توابع مسجد یعنی مئینها، مئزنها و کتابخانه بود. ۲۰

کتابخانه مسجد که در عصر سلجوقی مهمترین دارالکتاب شهر محسوب می شد، در عهد خنرالذوله از اسرای آل بویه (د. ۳۸۷ هـ. ق.) او به همت ابوالعباس فسی ۲۱ (د. ۳۹۸ هـ. ق.) ایجاد شد، و مکان آن در سمت شمال مسجد و احتمالاً جنب یکی از درهای ورودی آن بود. غنای این کتابخانه تا حدی بود که نسخه های مورد احتیاج همه اهل علم در زمینه های دینی، ادبی، حکمت، فلسفه و سایر دانشها را تأمین می کرد. ۲۲ به نوشته مرحوم استاد جلال الدین همای، صاحب بن عباد در شهر اصفهان و ری که از مراکز مهم فرهنگ و سیاسی آل بویه بود، ۲ کتابخانه بزرگ ایجاد کرد. بعد، قسمت عمده ای از کتابخانه اصفهان، به کتابخانه مسجد جامع این شهر انتقال یافت. ۲۳

با توجه به حکایتیهای که درباره عظمت کتابخانه صاحب بن عباد نقل شده است، و از جمله اینکه دهها نشر کتابهای او را حمل می کردند یا کتابهای او به ۱۱۷ هزار جلد یا بیشتر می رسیده است، ۲۴ باید کتابخانه جامع اصفهان را میراثی گرانتقد و متعلق به زمانی پیش از سلجوقه دانست، که در دوران

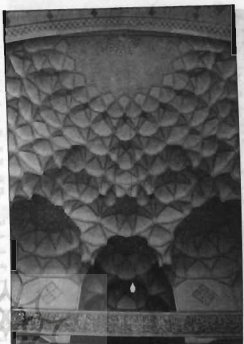


محمد بن ملک شاه سلجوقی طعمۀ حریق شد.

مافروخی که در عصر سلجوقی می زیست، در کتاب *محاسن اصفهان* در باب اهمیت جامع این شهر و دارالکتاب آن آورده است: برای اقامۀ هر نماز، کمتر از ۵ هزار در آنجا گرد نمی آمد. و در کنار هر جزئی مستند شیخی بود که گروهی از طالبان علم دور او را گرفته بودند، و به تحصیل علم با تهذیب نفس اشتغال داشتند. آرایستگی این بنا به واسطه مناظر، قها، مباحثه علما، مجادله متکلمان و پندهای واعظین است، در آنجا صوفیایان، علما و کسانی دیده می شوند که به حال عبادت در مسجد انعام دارند، و با تسبیح و دعا زندگی می گذرانند. ۲۵

نویسنده *محاسن اصفهان* در ادامه پس از بیان موقعیت جامع اصفهان، کتابخانه آن را به این گونه توصیف می کند: در آنجا کسباسبها را چیسده و فنونی از دانش بدان جساوبدان ساخته اند. فهرست آن مشتمل بر ۳ مجلد بزرگ است که مصنفات آن در اسرار تفاسیر، غراب حدیث و مؤلفات در نحو، فقه، تصرف و اینیه صرف می باشد. و نیز در آن از دیوانها، اشعار برگزیده و اخبار و گزیده ای از تاریخ

ضلع شمالی و غربی جز آثار سوخته و ویرانه ای از عمارت چیر
 دیگری باقی نماند. ۲۸. بلافاصله پس از حریق سال ۵۱۵ هـ. ق،
 تجدید ساختمان شروع شد و به جای ساختمانهای منهدم شده
 بناهایی مانند ایوانهای چهارگانه و نماهای اطراف محسن
 ششگانه و چهلستونها پایه گذاری گردید. و در طی چند قرن
 بعد از آن بتدریج تکمیل و تزیین شد. به این ترتیب، نقشه
 مساجد به شکل چهارایوانه اساس ساختن مساجد در قرون بعد
 قرار گرفت. ۲۹. در جانب شمال شرق مسجد، کتیبه ای کوفی با
 آجر برجسته وجود دارد که حکایت از این حریق است و این
 عبارت بر آن به چشم می آید: بسم الله الرحمن الرحیم و من
 اظلم ممن منع مساجد الله ان یذکر... اعاده هذه العمارة بعد
 الاحتراق فی شهر سنة عشرة و خمسمائة. ۳۰.



پانوشتها:

۱. مدارس نظامی، ص ۲۱۹
- ۲ و ۳. سفرنامه ناصر خسرو، ص ۱۱۷
۴. مدارس نظامی، ص ۲۲۰
۵. آشنایی با اصفهان، ص ۵۰
۶. آثار ایران، ج ۴، ص ۲۶
۷. آشنایی با اصفهان، ص ۵۲
۸. در کتاب ارزشمند مدارس نظامی و تأثیرات علمی و اجتماعی آن،
 اوضاع سیاسی، اجتماعی و علمی دنیای اسلام هم زمان با مدارس
 نظامی، شخصیت خواجه نظام الملک به عنوان بنیانگذار مدارس
 نظامی و نظام های نیشابور، بغداد و اصفهان، و نیز تأثیرات
 علمی و اجتماعی آن بررسی شده است.
۹. غزالی نامه، ص ۱۲۲
۱۰. محاسن اصفهان، ص ۱۲۲
۱۱. مدارس نظامی، ص ۲۲۲
۱۲. ریاضالمیلان دورة اسلام، ص ۳۲۶
۱۳. تاریخ اصفهان و ری، ص ۱۰۹
۱۴. جلوه های هنر در اصفهان، ص ۲۲۹
۱۵. تاریخ سلسله سلجوقی، ص ۱۰۳
۱۶. راحت آصفور، ص ۱۵۷
۱۷. مدارس نظامی، ص ۲۲۱
۱۸. غزالی نامه، ص ۱۳۵
۱۹. تکامل فن تاریخ، ج ۶، ص ۵۷۶
۲۰. گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۷۹
۲۱. ابوالعباس احمد بن ابراهیم فسی، از دانشوران و سیاستمداران
 آن یوه است. وی اختتامی در سطح اهل بیت حضرت
 طهارت (ع) سرود. او مدتها قائم مقام صاحب بن عباده بود و
 سپس به عنوان وزیر خراسان دوله دیلمی منصوب شد. وفات وی را
 به سال ۳۹۸ هـ. ق نوشته اند.
۲۲. جلوه های هنر در اصفهان، ص ۲۲۸

پیغمبران، خلفا، کارنامه پادشاهان و امیران موجود است. و
 مجموعه هایی از علوم اوایل از منطق، ریاضی، طب، الهی و
 غیر از آن عبره های نیز که جوهری فضل و سبزه دانش و نادانی
 پادشاه احتیاج پیدا می کنند، همه وجود دارد. ۲۶.
 مرحوم استاد محمد محیط طباطبائی ضمن اظهار اینکه در آن
 دوران علوم دینی، ادبی و فلسفی در اصفهان رونق بسزا داشته
 است، می نویسد: «کتابخانه جامع شهر را ساخته و پرداخته
 بودند تا نیازمندهای استادان و شاگردانی را که پای هر سنتوری
 از ستونهای متعدد آن مسجد حلقه درس و بحث داشتند، پاسخ
 بدهد» ۲۷.
 به هر حال در آتش سوزی سال ۵۱۵ هـ. ق نه تنها کتابخانه
 نقیص مسجد جامع با دارالکتاب مهم شهر بکلی نابود شد، بلکه
 بنای اولیه مسجد جامع که به سبک عربی بود نیز از بین
 رفت. منظره مسجد پس از حریق، بدین صورت بوده است که
 در هر یک از ۲ انتهای شمالی و جنوبی، ففسنای وسیع و بنای
 گنبدداری گنبدهای نظام الملک و تاج الملک، برپا بود، و در



۳. آموزشها و نهادهای آموزش اصفهان (تاریخ فرهنگ و آموزش اصفهان در عصر صفوی)، محمدحسین ریاضی، در پیش درام کتاب تحت عنوان: «نظری بر اوضاع علمی و آموزشی اصفهان از آغاز دوره اسلامی تا عصر صفوی»، به برخی مسائل علمی و فرهنگی عصر سلجوقی اشاره شده است. امید می رود این اثر با اصلاحات و الحاقات بیشتری چاپ شود.
۴. تاریخ اصفهان و ری، میرزا حسن خان جابری انصاری، ناشر همانزاده، تهران، ۱۳۲۱.
۵. تاریخ سلسله سلجوقی (زبده النصر و زبده المعصر)، ترجمه محمدحسین خلیلی، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۶.
۶. تاریخ علوم اسلامی، نظریات استاد جلال الدین همایی، نشر هما، تهران، ج ۱، ۱۳۴۳.
۷. جلوه های هنر در اصفهان، به گوشتش جمعی از نویسندگان، مقاله استاد محمد محیط طباطبایی، نشر چنان زاده، تهران، ج ۱، ۱۳۶۶.
۸. راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آن سلجوقی، محمدبن علی بن سلیمان راوندی، به سعی و تصحیح محمدآقبال، تصحیح معینی منوی، امیرکبیر، ج ۲، تهران، ۱۳۶۴.
۹. زندگینامه ریاضیدانان دوره اسلامی، ابوالقاسم قربانی، مرکز نشر دانشگاهی، ج ۱، ۱۳۶۵.
۱۰. سفرنامه ناصر خسرو قبادینی، به کوشش ناصر وزین پور، نشر کتابهای جیبی، ج ۵، تهران، ۱۳۶۲.
۱۱. غزالی نامه، جلال الدین عمایی، نشر هما و فروغی، ج ۳، ۱۳۶۸.
۱۲. الکناس فی التفسیر، ابن اثیر، دارالاحیاء للتراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ هـ. ق/ ۱۹۷۹ م.
۱۳. گزیده آگاهی، ابوالفتح اصفهانی، ترجمه محمدحسین مشایخ فرمینی، علمی و فرهنگی، ج ۱، ۱۳۶۸.
۱۴. گنجینه آثار تاریخی اصفهان، لطف الله خنوفر، نشر تفصیح، ج ۳، اصفهان، ۱۳۵۰.
۱۵. معانی اصفهان، مفصل بن سعد مافروشی، ترجمه حسین بن محمدای الرضا اوی، به اهتمام عباس الهبانی، طبسما مطبعا بلدکادر، ۱۳۲۸.
۱۶. مفارسی نظامی و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، نورالله کسلی، امیرکبیر، ج ۳، تهران، ۱۳۶۳.

۲۳. تاریخ علوم اسلامی، ص ۲۶.
۲۴. گزیده آگاهی، ج ۱، ص ۱۱.
۲۵. ترجمه معانی اصفهان، ص ۶۲.
۲۶. همان، ص ۶۳.
۲۷. جلوه های هنر در اصفهان، ص ۲۲۸.
۲۸. گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۸۰.
۲۹. آثار ایران، ج ۲، صص ۲۷-۵۲.
۳۰. همان، ص ۵۲.

مجله علمی و فرهنگی «میراث»

منابع:

۱. آثار ایران، آندوه گدگار، بلدکادر، ساکسیم سیرو، ترجمه ابوالحسن سرفوقم، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
۲. آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، انتشارات گلها، ج ۲، اصفهان.

۱۳۷۲